



پژوهشکده شورای نگهبان



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری در خصوص:

ابطال تبصره «۴» مصوبه شماره ۴۷۰۲/۹۴/ص مورخ

۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای اسلامی شهر شیراز

کد گزارش: ۹۵۰۷۰۵۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۷/۱۰

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده های دیوان عدالت اداری

موضوع:

ابطال تبصره «۴» مصوبه شماره ۹۴/۴۷۰۲/ص مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۷

شورای اسلامی شهر شیراز

تهیه و تنظیم:

محمدعلی فراهانی

نظارت:

محمد برومند و مرتضی حاجی علی خمسه

پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۵۰۷۰۵۴

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۵/۷/۱۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: ابطال تبصره «۴» مصوبه شماره ۹۴/۴۷۰۲/ص مورخ

۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای اسلامی شهر شیراز

شاکی: آقای کریم صادقی به وکالت از آقای امین خاگره

طرف شکایت: شورای اسلامی شهر شیراز

جهات مغایرت شرعی: قاعده فقهی «أوفوا بالعقود» و «المؤمنون عند شروطهم»

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۹۰۰۰/۲۱۰/۵۵۹۶۷/۲۰۰ - ۱۳۹۵/۴/۱۲

مقدمه

شاکی از تبصره «۴» مصوبه شماره ۹۴/۴۷۰۲/ص مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای شهر شیراز شکایت کرده است. به موجب این تبصره دارندگان «اوراق بستانکاری مورد مسیر» موضوع مصوبه شماره ۹۳/۱۱۲۸/ص مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱، مشمول حکم این مصوبه نبوده و نمی‌توانند از تخفیف‌هایی که در این مصوبه برای افرادی که به صورت نقدی و یکجا بدهی‌های سابق خود را تسویه می‌کنند، بهره‌مند گردند و با آنها مطابق مصوبه شماره ۹۴/۳۱۹۴/ص مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۳ عمل می‌شود. در ادامه به بررسی شکایت^۱ پرداخته می‌شود.

شرح و بررسی

شورای اسلامی شهر شیراز به منظور تشویق مالکین املاکی که در مسیر طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی این شهر واقع شده‌اند، مصوبه‌ای را تحت عنوان «لایحه تشویقی بازگشایی املاک دارای مسیر» تصویب می‌نماید. به موجب این مصوبه، به شهرداری

۱. لازم به ذکر است پاسخی از سوی شورای شهر شیراز به این شکایت داده نشده است.

شیراز اجازه داده می‌شود تا هنگام تملک املاک موضوع این مصوبه، پس از ارزیابی غرامتی که بابت تملک بایستی به صاحب ملک پرداخت شود، به جای پول نقد اوراقی تحت عنوان «اوراق بستانکاری» صادر کرده و به مالک تحویل دهد. این اوراق نشان‌دهنده بستانکاری مالک از شهرداری بوده و مالک می‌تواند در سایر مواردی که موظف به پرداخت وجوه به شهرداری است - مانند اینکه مالک بابت امر دیگری به شهرداری بدهکار بوده و یا بابت پرداخت عوارض - از این اوراق استفاده کند. همچنین این اوراق را می‌توان از طریق انتقال امتیاز به دیگری واگذار کرد. در تبصره «۱» ماده واحده نیز ارائه این اوراق منوط به انتقال رسمی سند در دفترخانه اعلام شده و پرداخت این اوراق را به منزله پرداخت نقدی محسوب کرده است.^۱

از سوی دیگر پس از مصوبه مذکور، شورای شهر شیراز ضمن مصوبه موضوع شکایت که در راستای تسهیل دریافت عوارض توسط شهرداری و ترغیب

۱. اگرچه شکایتی از این مصوبه صورت نگرفته است، اما در این خصوص لازم است توضیحاتی داده شود. به نظر می‌رسد با توجه به خصوصیتی که شورای شهر برای این اوراق در نظر گرفته است ماهیتی از نوع اوراق بهادار پیدا کرده است. توضیح آنکه شورای شهر این اوراق را بابت سایر موارد پرداختی به شهرداری نظیر پرداخت عوارض مورد پذیرش و نیز قابل انتقال می‌داند. این در حالی است که قانون چنین صلاحیتی برای شورای شهر قائل نیست و ماده (۷۱) قانون «تشکیلات، انتخابات و وظایف شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵» که به بیان وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر می‌پردازد چنین تصریحی ندارد. از طرفی قانون‌گذار در قانون «بازار اوراق بهادار» مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ مجلس شورای اسلامی قواعد و ضوابط اوراق بهادار را بیان می‌کند. بند «۲۴» ماده (۱) این قانون سند بهادار را اینگونه تعریف کرده است: «هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد. شورای عالی بورس و اوراق بهادار، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است.» همچنین مواد (۷) و (۲۰) قانون مزبور نیز به ترتیب مقرر می‌دارند: «وظایف و اختیارات هیأت مدیره سازمان به شرح زیر است: ۱- ... ۴- ثبت و صدور مجوز عرضه عمومی اوراق بهادار و نظارت بر آن. ۵- ...» «عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان با رعایت مقررات این قانون می‌باشد و عرضه عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است.» بر این اساس به نظر می‌رسد اساساً مصوبه اولیه شورای اسلامی شهر شیراز مبنی بر اجازه صدور اوراق بستانکاری به شهرداری بدون مجوز قانونی صادر شده است و از این جهت محل تأمل است.

سرمایه‌گذاران و انبوه‌سازان بخش مسکن به پرداخت عوارض تصویب شده است، به شهرداری اجازه می‌دهد تا نسبت به عوارض و بهای خدمات اشخاص یاد شده که کل عوارض و بهای خدمات خود را تا تاریخ مشخصی به صورت نقدی و یکجا پرداخت نمایند، تخفیفاتی (به شرح موجود در پرونده) اعمال کند. تبصره «۴»^۱ این مصوبه، برخی افراد را از شمول این مصوبه و مزایای آن مستثنی کرده است. به موجب تبصره مذکور، «دارندگان اوراق بستانکاری مورد مسیر» موضوع مصوبه سابق شورا، از جمله این افراد بوده و از برخورداری از مزایای تخفیفی این مصوبه محروم شده‌اند. با توجه به توضیحات فوق، شاکی پرونده که از جمله دارندگان اوراق مزبور است از مصوبه اخیر شکایت کرده که در ادامه ادله وی و موضوع پرونده بررسی خواهند شد.

ادله شاکی:

۱- مغایرت مصوبه مورد شکایت با تعهد قبلی شهرداری که به استناد مصوبه اول (شماره ۹۳/۱۱۲۸/ص مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱) ایجاد شده است. توضیح آنکه براساس مصوبه اول، برای شاکی یا دارنده اوراق بستانکاری حقی ایجاد شده و تصریح شده است که پرداخت این اوراق به منزله پرداخت نقدی است. اما با مصوبه اخیر، این حق مکتسب، نادیده انگاشته می‌شود. لازم به ذکر است این اوراق به جای وجه نقد به طلبکاران پرداخت شده است.

۲- مغایرت مصوبه مورد شکایت با ماده (۴)^۲ قانون مدنی از حیث اینکه با استثنا شدن دارندگان اوراق بستانکاری از شمول مصوبه، اوراقی که پرداخت آنها پیش از آن به منزله پرداخت نقدی نحسوب می‌شد، با مصوبه جدید

۱. تبصره «۴» مصوبه موضوع شکایت: «دارندگان اوراق بستانکاری مورد مسیر موضوع مصوبه شماره ۹۳/۱۱۲۸/ص مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ و همچنین دارندگان کارت فروش اوراق مشارکت، مشمول این مصوبه نبوده و وفق مصوبه شماره ۹۴/۳۱۹۴/ص مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۳ اقدام گردد.»
۲. ماده (۴) قانون مدنی: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.»

ویژگی سابق خود را از دست داده و به عنوان پرداخت نقدی محسوب نمی‌شوند. تعمیم این حکم به اوراقی که پیش از این صادر شده‌اند، عطف بما سبق است که با ماده (۴) قانون مدنی مغایرت دارد.

۳- مغایرت مصوبه مورد شکایت با عبارت «همکاری مردم» در اصل یکصدم^۱ قانون اساسی؛ توضیح آنکه مصوبه مذکور اوراقی را از شمول حکم صدر مصوبه خارج نموده است که مردم به دلیل همکاری با شهرداری و به جای دریافت نقدی از شهرداری پذیرفته‌اند.

۴- مغایرت با اصل یکصد و پنجم^۲ قانون اساسی مبنی بر عدم تصویب مصوبه خلاف موازین اسلام و قوانین کشور توسط شوراهای اسلامی.

۵- مغایرت با اصل یکصد و شصت و هفتم^۳ قانون اساسی^۴.

۱. اصل یکصدم قانون اساسی: «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.»

۲. اصل یکصد و پنجم قانون اساسی: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.»

۳. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۴. البته به نظر می‌رسد استناد شاکی به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی صحیح نیست. زیرا وی پس از اینکه مدعی می‌شود که تبصره «۴» مصوبه شورای شهر شیراز حقوق مکتسبه شاکی را نقض کرده و قواعد شرعی و نصوص قانون اساسی را نادیده گرفته است، استدعای رسیدگی و نقض و ابطال مصوبه را مطرح کرده و به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی برای تقاضای خود استناد کرده است. این درحالی است که اصل مزبور به تکلیف قاضی در اصدار حکم تصریح دارد و وی را از امتناع از صدور حکم به بهانه سکوت و ... قانون منع می‌کند. با این توضیح به نظر می‌رسد منظور وی اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی است: «قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.»

۶- مغایرت با قواعد فقهی «أوفوا بالعهد» و «المؤمنون عند شروطهم».

تحلیل موضوع

اگرچه به موجب قانون شورای اسلامی شهر شیراز صلاحیتی برای تصویب مقررهای مبنی بر اجازه صدور اوراق بستانکاری با ماهیت بهادار ندارد اما با توجه به اینکه در این پرونده تنها نسبت به مصوبه دوم شکایت شده است از پرداختن به آن منصرف شده و صرفاً مصوبه موضوع شکایت را بررسی می‌کنیم. از جمله ادعاهای مطرح شده توسط شاکی آن است که مصوبه اولیه شورای شهر موجد حق است. به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه در مصوبه اولیه تصریح شده است که دارنده این اوراق می‌تواند در قبال دیون سابق یا هنگام پرداخت عوارض از این اوراق استفاده کند و آن را با موارد مذکور تهاتر کند، ادعای شاکی مبنی بر «وجود حق استفاده از اوراق بستانکاری در هنگام مواجهه مالی با شهرداری»، صحیح است. از سوی دیگر شاکی با استناد به ذیل تبصره «۱»^۱ مصوبه اولیه، که اوراق بستانکاری را «در هنگام تحویل شهرداری به منزله پرداخت نقدی» دانسته است، چنین برداشت کرده است که این اوراق، «در هنگام تحویل به شهرداری» به منزله پرداخت نقدی است و بر همین اساس، اشخاصی که اوراق بستانکاری دارند مشمول مصوبه موضوع شکایت می‌شوند. بنابراین اگر دارندگان این اوراق در پرداخت دیون یا بدهی‌های خود به شهرداری از این اوراق استفاده نمایند، عمل آنها به منزله «پرداخت نقدی» محسوب خواهد شد و از مزایای پرداخت نقدی مبنی بر استفاده از تخفیفات بهره‌مند خواهند شد. با اندکی دقت در تبصره «۱» به نظر

۱. «استفاده از امتیاز مندرج در این مصوبه منوط به انتقال سند در یکی از دفاتر اسناد رسمی و تحویل ملک مورد مسیر حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پس از امضا و ثبت توافقنامه و همزمان با دریافت اوراق بستانکاری امکان‌پذیر می‌باشد. شایان ذکر است اوراق بستانکاری در هنگام تحویل شهرداری به منزله پرداخت نقدی تلقی می‌گردد.»

می‌رسد که برداشت شاکی از این تبصره صحیح نیست. بر اساس این تبصره، پرداخت اوراق بستانکاری توسط شهرداری به صاحب ملک، به منزله پرداخت نقدی قیمت ملک توسط شهرداری است. به عبارت دیگر عمل شهرداری در صدور اوراق مذکور بابت پرداخت غرامت صاحبان املاک، «پرداخت نقدی» محسوب می‌شود نه اینکه پرداخت این اوراق به هنگام تسویه دیون با شهرداری، پرداخت نقدی محسوب شود. فلذا از این عبارت نمی‌توان برداشت کرد که استفاده از اوراق بستانکاری توسط صاحبان این اوراق در مقام پرداخت بدهی به شهرداری به منزله پرداخت نقدی است، هرچند ممکن است منظور شاکی از بیان این موضوع همان «نقدی محسوب شدن پرداخت شهرداری» باشد، به این معنا که پرداخت این اوراق به مردم توسط شهرداری نقدی محسوب می‌شود اما همین اوراق اگر توسط مردم به شهرداری بازگردانده شود، پرداخت نقدی محسوب نمی‌شود.

فارغ از نکته فوق، مصوبه مورد شکایت از حیث رعایت حقوق اشخاص محل تأمل است. توضیح آنکه، شهرداری هنگام اجرای طرح‌های عمرانی، مجبور به خرید املاک از مردم است. طبعاً بایستی مبلغ آن نیز پرداخت شود. (مستفاد از قانون نیز این است که شهرداری و به طور کلی دستگاه‌های اجرایی که برای اجرای طرح‌های عمرانی خود ناگزیر از تملک املاک مردم هستند بایستی به صورت نقد وجه مربوطه را پرداخت نمایند و یا با پرداخت معوض رضایت صاحبان املاک را به دست آورند.)^۱ شهرداری در عوض پرداخت نقدی مبلغ مزبور، با اجازه شورای شهر اوراقی

۱. در اینجا به موادی از «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب» اشاره می‌شود که برداشت فوق را تأیید می‌کند: ماده ۳ - بهای عادلانه اراضی، ابنیه، مستحذات، تأسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین «دستگاه اجرایی» و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می‌گردد. ماده ۵ - ملاک تعیین قیمت عبارت است از بهای عادلانه روز تقویم اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تأثیر طرح در قیمت آنها.

را به صاحبان املاک می‌دهد که نشان از بدهی شهرداری به آنها دارد. بنابراین، نه تنها در این روند امتیازی به مردم داده نشده بلکه ما به ازای املاک آنها نیز به صورت نسبی در اختیارشان گذاشته شده است. از سوی دیگر، ضمن مصوبه دیگری شورای شهر تخفیفات قابل توجهی را برای شهروندانی که عوارض خود را به صورت نقدی پرداخت کنند پیش‌بینی می‌کند و در این میان صاحبان اوراقی را که در عوض پول نقد، «اوراق بستانکاری» از شهرداری دریافت کرده‌اند، از برخوردار شدن از تخفیفات مزبور محروم می‌نماید. اگر اوراق مزبور نشانه دین شهرداری به صاحبان املاک است، پس در همه موارد باید مشمول عنوان دین باشد و احکام دین بر آن بار شود. اما اگر این اوراق به منزله وجه نقدی است که شهرداری در قبال املاک مورد نیاز خود، به

→

ماده ۶ - در مواردی که «دستگاه اجرائی» مقتضی بداند و در صورت رضایت مالک عوض اراضی تملیک شده از اراضی مشابه ملی یا دولتی متعلق به خود تأمین و با حفظ ضوابط مندرج در قوانین و مقررات مربوط، به مالکین واگذار می‌نماید. در این صورت نیز تعیین بهای عوض و معوض به عهده هیئت کارشناسی مندرج در این قانون می‌باشد.

ماده ۸ - تصرف اراضی، ابنیه و تأسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نمی‌باشد مگر آنکه در اثر موانعی از قبیل استتکاف مالک از انجام معامله، اختلافات مالکیت، مجهول بودن مالک، رهن یا بازداشت ملک، فوت مالک و غیره انجام معامله قطعی ممکن نگردد، در این صورت به منظور جلوگیری از وقفه یا تأخیر در اجرای طرح به شرح زیر اقدام می‌شود:

چنانچه مالک ظرف یک ماه از تاریخ اعلام «دستگاه اجرائی» به یکی از انحاء مقرر در تبصره ۲ ماده ۴ برای انجام معامله مراجعه نکند یا از انجام معامله به نحوی استتکاف نماید مراتب برای بار دوم اعلام و پس از انقضای ۱۵ روز مهلت مجدد، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیئت کارشناسی مندرج در ماده ۴ یا تبصره ۲ آن تعیین شده است به میزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع و دادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضاء و ظرف یک ماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات به میزان مالکیتی که در مراجع ذی‌ربط احراز می‌گردد از سوی اداره ثبت به ذی‌حق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می‌شود. اداره ثبت محل موظف است براساس سند انتقال امضاء شده وسیله دادستان یا نماینده وی سند مالکیت جدیدی به میزان و مساحت اراضی، ابنیه و تأسیسات مورد تملک بنام «دستگاه اجرائی» صادر و تسلیم نماید.

دارندگان آن پرداخت کرده است - کما اینکه مصوبه اولیه شورای شهر بر این برداشت تصریح دارد - نمی‌توان به موجب مصوبه دیگری حکم سابق را در مورد آنها نقض کرد. با این توضیح که در مصوبه اول اثری برای اوراق مزبور در نظر گرفته شد که پرداخت آنها توسط شهرداری به منزله پرداخت نقدی است. یعنی مردم این اوراق را به عنوان پرداختی نقدی از شهرداری تحویل گرفته‌اند، از سوی دیگر در مصوبه دوم عنوان شده است که هرکس نقداً پرداخت کند مشمول تخفیف است ولی افرادی که اوراق پرداخت می‌کنند مشمول این مصوبه نمی‌شوند، یعنی پرداخت آنها نقدی به حساب نمی‌آید. چگونگی است که هنگامی که این اوراق توسط شهرداری پرداخت می‌شود، نقدی محسوب می‌شود اما وقتی قرار است توسط مردم به شهرداری مسترد شود اثر پرداخت نقدی را ندارد؟! در حقیقت امتیاز این اوراق (پرداخت نقدی) تنها برای شهرداری پیش‌بینی شده است ولی در خصوص مردم در برابر شهرداری این امتیاز از بین می‌رود. بنابراین مصوبه موضوع شکایت از این حیث محل تأمل است.

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات فوق؛

اولاً؛ ادعای شاکي در خصوص اینکه در مصوبه شماره ۹۳/۱۱۲۸/ص مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ شورای شهر شیراز «پرداخت اوراق بستانکاری را به منزله پرداخت نقدی محسوب کرده است» مردود است. زیرا در تبصره «۱» این مصوبه پرداخت اوراق مزبور توسط شهرداری به مردم بابت قیمت املاک مورد نیاز «به منزله پرداخت نقدی تلقی» شده است و این عبارت به این معنا نیست که پرداخت این اوراق توسط مردم به شهرداری نیز در سایر موارد پرداخت نقدی محسوب خواهد شد.

ثانیاً؛ اقدام شورای شهر در مصوبه شماره ۹۴/۴۷۰۲/ص مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورای شهر شیراز مبنی بر مستثنی کردن دارندگان اوراق بستانکاری از شمول این مصوبه و عدم بهره‌مندی آنان از تخفیفات موضوع آن محل تأمل است. تأمل در این

مصوبه نه از این جهت است که شورای شهر در مصوبه خود پرداخت این اوراق را نقدی محسوب کرده است و در مصوبه دیگری آن را از امتیاز پرداخت نقدی محروم ساخته است، بلکه از این جهت که این اوراق هنگامی که توسط شهرداری پرداخت می‌شوند به منزله پرداخت نقدی محسوب شده‌اند اما همین اوراق را اگر دارندگان آن یعنی مردمی که املاک خود را در عوض این اوراق به شهرداری واگذار کرده‌اند به شهرداری بپردازند از مزایای پرداخت نقدی بهره‌مند نخواهند شد. یعنی برای اوراق مزبور هنگام پرداخت شهرداری اثر نقدی در نظر گرفته شده و در هنگام پرداخت مردم به شهرداری پرداخت نقدی محسوب نمی‌شود. (شاید منظور شاکی از بیان استدلال فوق نیز ناظر به همین تفاوت پرداخت‌ها بوده است.) بنابراین مصوبه موضوع شکایت از حیث رعایت حقوق مکتسبه افراد محل تأمل می‌باشد.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مابقی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir